

نام‌شناسی حیوانات در قرآن کریم: کاربرد واژه‌های شتر و خوک در آیات مکرمه

نادیا وارمیلی¹

چکیده

از دید انسان موحد، اجزای جهان هستی جلوه‌هایی از قدرت، حکمت و جمال الهی‌اند، از این رو، حیوانات مختلف با گستردگی و تنوع اعجاب آور، همگی نشانه‌ها و آیات آفرینش الهی محسوب می‌شوند. بنابراین، از جمله ویژگی‌های قرآن کریم کاربرد کلمات معمول و مانوس همچون اسامی جانوران و حیوانات است. کاربرد نام 40 حیوان در بیش از 190 آیه و نامگذاری برخی سوره‌ها بدین نام‌ها، بیانگر اهمیت کاربرد این دسته از نام‌ها در قرآن است. اما در پژوهش حاضر که به روش توصیفی - تحلیلی صورت گرفته، از میان این حیوانات شتر و خوک بررسی می‌شود. هدف از این بررسی، عوامل کاربرد شتر و خوک در آیات حاوی نام آن دو به لحاظ دلالت معنایی و موضوعیت است. بدین منظور پس از استخراج کلیه آیاتی که نام آن حیوانات در آنها اشاره شده بود، دلالت معنایی و موضوعیت این آیات بررسی می‌شود. همان طوری که نتایج تحلیل داده، نشان می‌دهد، شتر به همان اندازه که در قرآن و اعراب از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود و به دفعات با نام‌های مختلف از این حیوان در قرآن کریم اشاره شده است، در مقابل از خوک به پلیدی و نجاست با یک نام «الخنزیر» یاد شده است.

واژه‌های کلیدی: قرآن کریم، دلالت معنایی، نام حیوانات، شتر و خوک (در عربی قرآنی).

1- مقدمه

واژه شتر، زندگی در شرایط دشوار بیابان را به یاد می‌آورد. شتر در ادبیات عرب جاهلی از ارکان اصلی قصیده به شمار می‌رود که به مواردی همچون سیل، صخره، گاو وحشی و کشتی بزرگ تشبیه شده و گاه نماد نجات و موفقیت، برکت و خوش بینی، صلح، جنگ و نابودی دانسته شده است (افخمی عقدا، 1390). در قرآن کریم نیز، به برخی ابعاد زندگی جانوران نظیر آفرینش آنها، منافع حیوانات، لزوم درس - آموزی و بهره گیری از آنها، احکام فقهی مربوطه و برخی تمثیل‌ها اشاره شده است، قرآن کریم هر چند کتاب جانورشناسی نیست بلکه کتاب هدایت است اما در رشته‌های علوم طبیعی به اندازه‌ای که برای هدایت مردم ضرورت دارد سخن گفته است. وقتی آیات سوره غاشیه یعنی «افلا ينظرون الی الابل کیف خلقت (17) و الی السماء کیف رفعت (17) و الی الجبال کیف (19) و الی الارض کیف سطحت (20)» را

¹ دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز nadia.varmili1987@gmail.com

تلاوت کنیم این نکته به ذهن خطور خواهد کرد که اسرار نهفته در این مخلوق، که خداوند سبحان نام او را قبل از آسمان‌های بی‌متهایش برشمرده است، چیست؟ در حالی که، غالب مفسران ذیل آیاتی مربوط به حرمت گوشت خوک به خبثت و مضر بودن آن اشاره و به نقل یک یا دو روایت در این زمینه بسنده کرده‌اند. در برخی تفاسیر نیز به چند مورد از بیماری‌های مشهور در این زمینه اشاره شده است (تفسیر المیزان/تفسیر نمونه/تفسیر مجمع البیان، ذیل آیاتی که در آن واژه الخنزیر به کار رفته است). بدین جهت، در این مقاله سعی شده است تا مهمترین خصوصیات شتر عرضه شود تا امتیازات شتر بر دیگر حیوانات در معرض قضاوت همگان قرار گیرد و با معرفی گوشه‌ای از اسرار این حیوان به اهمیت ذکر آن در کنار آسمانی و زمین در آیات شریفه پی برده شود و علل حرام بودن گوشت خوک نیز مورد مطالعه قرار گیرد. اکنون، با توجه به آنچه پیشتر گفته شد، اهداف اصلی این پژوهش عبارتند از:

1. شناخت علل کاربرد واژه شتر به اسامی مختلف در قرآن.

2. شناخت نوع خلقت شگفت انگیز شتر با الهام از آیات قرآنی.

3. آشنایی با جایگاه شتر در میان اعراب.

4. آشنایی با چگونگی کاربرد واژه خنزیر در قرآن.

5. آشنایی با تشبیهات خنزیر در آیات قرآنی.

اهمیت پژوهش صورت گرفته در واقع در اعجاز تشریحی قرآن که احکام و قوانین آن در طول تاریخ و برای همه زمان‌ها و مکان‌ها پاسخگوی نیازهای مادی و معنوی بشر بوده و هست و بر تمامی مکاتب بشری و حتی کتب آسمانی پیش از خود برتری دارد، نهفته است. از این رو، آموزه‌های انسان‌ساز و حیات بخش آن همواره به مصلحت بشر و زمینه ساز رشد و تعالی او است، هرچند علم ناقص بشر به عمق این مصالح پی نبرده باشد. در دهه‌های اخیر با توجه به پیشرفت علوم و راه‌یابی بشر به بسیاری از پیچیدگی‌های طبیعت، پرده از برخی اسرار نهفته در حکمت‌های الهی برداشته شده است. البته روشن است که علوم تجربی همواره در مسیر آزمون و خطا حرکت می‌کند و هرگز نمی‌توان همه یافته‌های آن را قطعی دانست، اما مسلم است که هر چه علوم تجربی پیشرفت کند، به لایه‌های پنهان آموزه‌های اسلامی نزدیک‌تر می‌شویم. از این رو ضرورت دارد تا این امر مهم در خصوص شتر و خوک بررسی و علت نامگذاری‌های مختلف برای شتر و کاربرد فقط یک نام برای حیوان خوک به دست آید. لذا برای رسیدن به این مهم، پاسخ به سوالات ذیل ضروری است:

1. شتر در آیات قرآنی دارای چه جایگاهی است؟

2. علل نامگذاری شتر به نام‌های مختلف در مقابل خوک چیست؟

3. چرا واژه الخنزیر فقط با یک واژه در قرآن به کار رفته است؟

2- پیشینه تحقیق

مهدی هدایتی (1394) در مقاله *حیوانات در نگاه دین، سیری بر آیات، روایات و احکام فقهی و حقوقی حیوانات در دین مبین اسلام*، با بررسی اجمالی در آیات و روایات، احکام و دستورات فقهی، شرعی و نهج البلاغه، دیدگاه دین اسلام درباره حیوانات بررسی شده است.

محمدرضا نقدی (1390) در مقاله *حیوان‌شناسی از منظر قرآن*، ابتدا مبانی بازساخت حیات جانوری را یادآور شده و سپس به بررسی پیدایش حیات و تکامل موجودات روی کره زمین پرداخته است و در ادامه نیز فهرستی از اسامی حیوانات در قرآن را ارائه داده و در پایان این بخش قوانینی از دنیای جانوران همچون فهم و شعور حیوانات، تکلیف، عبادت، سخن گفتن و حشر حیوانات تبیین کرده است. در بخش بعدی چارپایان، پرندگان، زنبور عسل، مورچه و عنکبوت را به تفصیل بررسی و در نهایت، به زندگی جانوری در تمثیل‌های قرآن کریم را توجه کرده است.

موسی جاودانی و همکاران (1397) در مقاله *شتر در دین مبین اسلام، آیات قرآن و روایات معصومین (ع)*، آورده‌اند که در قرآن کریم و نهج البلاغه از شتر تحت عناوین ابل، جمل، ناقه، عشار، بدن، بعیر و هییم و از بچه شتر با اسامی ابن لبون و فصیل سخن رفته است. شتر از عجیب‌ترین و آرام‌ترین مخلوقات خداوند است و برخلاف جثه بزرگ خویش از رامترین حیوانات اهلی به شمار می‌رود.

یحیی معروف (1384) در مقاله *شتر در قرآن و ادب عرب (عصر جاهلی)*، امتیازات شتر بر دیگر حیوانات را در معرض قضاوت همگان قرار می‌دهد و با معرفی گوشه‌ای از اسرار این حیوان به اهمیت ذکر آن در کنار آسمان و زمین در آیات شریفه پی‌برده شود. علاوه بر آن، این مطلب که این حیوان حضوری قوی و فعال در نظم، نثر، امثال و واژه‌گزینی عربی دارد نیز، بیان شده است.

هدا آیت (1395) در *تأملی در خلقت شتر از دید قرآن و علم*، با بررسی اجمالی یافته‌های علمی، جلوه‌های دیگری از شگفتی‌های خاص این موجود مشخص شده که می‌تواند تا حدودی علت اهمیت آن را از دید قرآن نشان دهد.

در مقاله *حکمت تحریم گوشت خوک در قرآن*، حدیث و علم حسنعلی علایی (1396)، پس از معرفی اجمالی این حیوان و احکام مربوط به آن و همچنین اشاره‌ای به برخی روایات وارده در این زمینه، امراض و بیماری‌هایی که در اثر خوردن گوشت این حیوان گریبان‌گیر انسان می‌شود، به تفصیل آمده است.

در مقاله *مهدی سلیمانی و احسان انصاریان (1389)* آمده است: قرآن کریم انواع مواد غذایی را که برای جسم و روح، مفید و سلامت آن را تضمین می‌کند، حلال شمرده است و از طرفی انسان را از خوردن غذاهای مضر ناسالم نهی کرده است؛ علت اصرار قرآن بر این امر، آن است که در عصر عرب-های جاهل که هنوز میکروب انگلی کشف نشده بود، تنها از راه استدلال قرآنی ممنوعیت مصرف آن میسر بود، لذا مواردی در قرآن کریم به طور مستقیم اشاره به عدم مصرف موادی از جمله گوشت خوک نموده است که تحت عنوان لحم خنزیر در منابع دینی یاد می‌شود.

نانجی و فرنچ (1985) با تحقیقی که در 16 کشور مختلف انجام شد، و با بررسی آمار مصرف الکل، گوشت گاو و گوشت خوک و چربی آن در مناطق مختلف این کشورها، میزان شیوع سیروز را با مصرف گوشت خوک مرتبط اعلام کردند.

3- مبانی نظری تحقیق

3-1- نام‌شناسی حیوان در قرآن

«حیوان»، واژه‌ای عربی که بر هرگونه ذی روح اطلاق می‌شود و انسان را نیز، که او را حیوان ناطق می‌خوانند، دربرمی‌گیرد (ابن منظور، ج 2، 1412: ذیل واژه «حی»). در منابع دینی و متون فقهی این واژه غالباً به موجود ذی روح، فاقد خرد و تعقل اطلاق شده است که معادل آن در زبان فارسی کنونی جانور است. واژه حیوان در قرآن تنها یک بار و به معنای «زندگی حقیقی» به کار رفته که ناظر بر جهان آخرت است.

«وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌّ وَّ لَعِبٌ وَّ إِنَّا الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ: و این زندگی دنیا جز سرگرمی بیهوده و بازیچه نیست، و حَقًّا که خانه آخرت (حتی زمین و آسمان و جماد و نباتش) دارای حیات است (و گویی حقیقت حیات است) اگر می‌دانستند» (عنکبوت/64).

همچنین در قرآن آمده است «زندگی دنیا یک نوع سرگرمی و بازی است، مردمی جمع می‌شوند و به پندارهایی دل می‌بندند، بعد از چند روزی پراکنده می‌شوند، و در زیر خاک پنهان می‌گردند، سپس همه چیز به دست فراموشی سپرده می‌شود. اما حیات حقیقی که فناپذیر در آن نیست، نه درد و رنج و ناراحتی و نه ترس و دلهره در آن وجود دارد و نه تضاد و تراحم، تنها حیات آخرت است، ولی اگر انسان بداند و اهل دقت و تحقیق باشد. آنها که دل به این زندگی می‌بندند و به زرق و برق آن مفتون و دلخوش می‌شوند کودکانی بیش نیستند، هر چند سالیان دراز از عمر آنها می‌گذرد (مکارم شیرازی، ج 16، 1368: 339).

و اما خداوند از حیوانات به چند نظر در آیات مختلف اشاره کرده است: یا به لحاظ خلقت یا از این جهت که مورد تشبیه قرار گرفته‌اند، یا حشر حیوانات و موضوع معاد آنها و یا احکام حیوانات و گاهی به خاطر اینکه حیوانات مأموران الهی و واسطه‌هایی برای خیر و عذاب یا تنبیه هستند از آنها صحبت شده است (سبحانی، ج 1، 1383: 99) که در ذیل به برخی از این موارد اشاره می‌شود:

خداوند برای ارائه تمثیل‌های قرآنی در برخی از موارد از حیوانات و ویژگی‌های آنان استفاده کرده است، از جمله تشبیه کافران به حیواناتی که مفهوم و حقیقت سخنان صاحب خود را درک نمی‌کنند (بقره/171)، تشبیه یکی از عالمان دنیاطلب از امت‌های پیشین که با وجود عرضه شدن آیات و معارف الهی به او، از هوا و هوس پیروی کرد، به سگ که پیوسته دهانش را باز می‌کند و زبان بیرون می‌آورد (اعراف/176-175)، تشبیه کسانی که برای خود اولیایی غیر از خدا برگزیده‌اند، به عنکبوت که سست-ترین خانه‌ها را دارد (عنکبوت/41)، و همگونی آن دسته از پیروان ادیان الهی که مکلف به عمل به کتاب آسمانی خود بودند ولی حق آن را ادا نکردند، به درازگوشانی که کتاب حمل می‌کنند اما بهره‌ای نمی‌برند (جمعه/5). در تعدادی از داستان‌های قرآنی، حیوانات نقش آفرین‌اند از جمله در داستان‌های ابراهیم خلیل

و چهار مرغ (ر.ک: بقره/260)، مور و سلیمان (نمل/18)، هدهد و سلیمان (نمل/28-20) و پرندگان خاص و اصحاب فیل (فیل/5-1). از طرفی، در آیاتی از قرآنی از حمد و تسبیح همه موجودات عالم در برابر خداوند، سخن آنها از وحدانیت خدا و صفات او، آورده شده است؛ اما به نظر گروهی دیگر، اطلاق لفظ تسبیح حقیقی و منظور، تسبیح به قول است (طوسی، بی تا: ذیل حدید). قرآن کریم به صراحت سخن از صلوات و تسبیح موجودات آسمانی و زمینی و پرندگان و آگاهی آنان از صلوات و تسبیح خود به میان آورده، این‌گونه می‌فرماید: «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْبِحُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرِ صَافَّاتٍ كُلُّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ» (نور:41): آیا ندیدی تمام آنان که در آسمان‌ها و زمینند برای خدا تسبیح می‌کنند، و همچنین پرندگان به هنگامی که بر فراز آسمان بال گسترده‌اند؟ هر یک از آنها نماز و تسبیح خود را می‌دانند، و خداوند به آنچه انجام می‌دهند داناست. در این آیه به آن گروه که خدا را تسبیح می‌کنند نسبت «علم» داده و آنها را به تسبیح خود آگاه معرفی می‌کند (سبحانی، ج 1، 1383: 99-98).

افزون بر این، مفسران از آیه 38 سوره انعام «هیچ جنبده‌ای در زمین نیستند و نه پرنده‌ای که دو بالش ببرد مگر آن که امت‌هایی همانند شما هستند... سپس به سوی پروردگارشان برانگیخته می‌شوند»، این‌گونه برداشت می‌کنند که حیوانات نیز حشر و قیامت دارند (سیوطی، 1404: ذیل سوره قیامت). بدین ترتیب، با توجه به آیات مذکور و برخی از آیات دیگری که به سبب طولانی شدن مطالب از ذکر آنها خودداری شد، به نظر نگارنده، خداوند کارها را با سبب و واسطه انجام می‌دهد. گاهی حیوانات واسطه خیر و برای آموزش انسان است، به عنوان مثال، شتر صالح و اژدهای موسی وسیله امتحان خلق و کلاغ و هدهد آموزش دهنده انسان، عنکبوت حافظ پیامبر (ص)؛ و گاهی واسطه بلا و عذاب الهی بر سر انسان‌ها. همانند ملخ و شپش و وزغ، و در جای دیگر پرندگان ابابیل مأمور عذاب و واسطه بلا بر انسان است و نهنگ نیز وسیله‌ای برای تنبیه یونس.

3-2- کاربرد انواع نام حیوانات در قرآن

خداوند متعال در شمار نعمت‌های فراوانی که به انسان‌ها عرضه داشته است، حیوانات را نیز مسخر او نموده است تا از گوشت و پوست و محصولات آن استفاده کند و حوائج خویش را برآورده نماید و از طرفی در وجود آنها نشانه‌های بی‌شماری از قدرت و عظمت و حکمت پروردگار نهفته است، لذا می‌فرماید: «و آیا به شتر نظر نمی‌کنند که چگونه آفریده شده؟» (غاشیه/17). خداوند موجودات مختلف اعم از حیوان و گیاه و... را در اختیار انسان قرار داد تا انسان از وجود آنها پی به وجود قدرت خدا ببرد و بعد از استفاده از آن نعمت‌ها، او را شکرگذاری کند. بنابر این، قرآن کریم از 39 حیوان با تعابیر متعدد (حدود 63 تعبیر) به صورت اسم صریح یا به کنایه نام می‌برد. خداوند حیوانات را در آیات مذکور براساس ملاک‌های متفاوتی طبقه‌بندی نموده است:

الف) اولین معیار که می‌توان به آن اشاره نمود، کیفیت راه رفتن حیوانات است: «والله خلق كل دابة من ماء فمنهم من يمشى على بطنه ومنهم من يمشى على رجلين ومنهم من يمشى على أربع...» و خداوند هر جنبنده‌ای را از آبی آفریده، پس برخی از آنها بر روی شکم می‌رود (مانند مار و ماهی و سایر

خزندگان) و برخی بر دو پا می‌رود (مانند انسان و پرندگان) و برخی بر چهار پا می‌رود. خداوند هر چه بخواهد می‌آفریند، حَقّاً که خداوند بر هر چیز تواناست» (نور/45).

ب) دومین معیار، مکان زندگی حیوانات است: «احل لكم صيد البحر وطعامه متعا لكم وللسيارة وحرم عليكم صيد البر مادمتم حرما... بر شما شکار کردن از دریا و خوردن از شکار آن (در حال احرام) حلال شد تا وسیله برخورداری شما و مسافران باشد، و بر شما شکار از خشکی مادامی که در حال احرامید حرام است، و از خدایی که به سوی او گرد آورده خواهید شد پروا کنید» (مائده/96).

ج) سومین معیار در دسته بندی حیوانات مکان حرکت است: «وما من دابة فی الارض و لا طئر يطير بجناحه الا امم امثالکم... و هیچ جنبنده‌ای در زمین و نه پرنده‌ای که با دو بال خود پرواز می‌کند نیست مگر اینکه امت‌هایی همانند شمایند (در هدف خلقت و تعیین عمر و بقاء نسل و کیفیت زندگی) - ما چیزی را در کتاب خود (کتاب لوح محفوظ از نظر بیان و در کتاب تکوین از نظر خلقت) فروگذار نکرده‌ایم - سپس همگی (در روز قیامت از نقطه مرگشان) به سوی پروردگار خود گردآوری می‌شوند» (انعام/13).

د) چهارمین ملاک نیز دلالت بر جنس نر و ماده می‌کند: «ثمینیة ازوج من الضان اثین ومن المعز اثین قل الذکرین حرام الاثینین اما اشتملت علیه ارحام الاثینین... هشت جفت را (هشت فرد توأم با جفتش را آفرید) از گوسفند دو جنس (نر و ماده) و از بز دو جنس (نر و ماده). یا هشت جفت آفرید، از گوسفند دو جفت (اهلی و وحشی) و از بز دو (جفت اهلی و وحشی) بگو: آیا خداوند نرهای آن دو را حرام کرده یا ماده‌ها را؟» (انعام/143).

3-3-3- کاربرد واژه «شتر» در قرآن

3-3-3-1- نام‌شناسی «شتر»

در فرهنگ عمید در ذیل کلمه شتر آمده است: «شتر، حیوانی است قوی جُنه و پرهاقت و نشخوار کننده و حلال گوشت، دارای گردن دراز و دست و پای بلند، بر پشت خود یک یا دو کوهان دارد که از پیه و چربی تشکیل یافته است (عمید، 1368: ذیل واژه). در حالیکه، این حیوان در زبان عربی نام‌های متعددی دارد تا آنجا که در زبان عربی 459 نام برای آن در حالات و سنین مختلف و 117 نام برای صدای شتر و 33 نام متعدد برای محل سکونت شتر ذکر شده است (عبدالرحیم، ج 1، 1427: 14). این نشان‌دهنده توجه ویژه عرب حجاز و نقش محوری این حیوان در زندگی آنها است. در عربی به شتر «إبل» و «ناقه» و «جمل» هم گفته می‌شود، در لغت‌نامه فرهنگ عمید در بیان معنی إبل نوشته شده است: (1) إبل: به معنی شتر و به بیش از دو شتر اطلاق می‌شود و جَمَل نیز شتر یک کوهانه و دو کوهانه را می‌گویند. (2) ناقه: بیشتر به شتر ماده گفته می‌شود البته در فرهنگ لغت لاروس در ذیل کلمه ناقه گفته شده است: ماده شتر را می‌گویند و نیز به معنی چند ستاره روشن در آسمان است که صورت شتری را تشکیل می‌دهند (جر، ج 1، 1391: ذیل واژه).

3-3-2- گونه‌های اشارات قرآن به شتر

شتر در قرآن کریم به صور زیر آمده است: ایل (شتر) دو مرتبه (144/ انعام و 17/ غاشیة)، جَمَل یکبار (40/ اعراف) و جَمَالَه نیز یکبار (33/ مرسلات) در قرآن آمده است. همچنین عِشَار، یکبار (4/ تکویر)، ناقه، هفت بار (73 و 77/ اعراف، 64/ هود، 59/ اسراء، 155/ شعراء، 27/ قمر و 13/ الشمس) آمده است. همچنین بَعیر در آیات 65 و 72 سوره یوسف/ بُدن (شتر قربانی) آیه 36 سوره حج/ هیم (شتر بسیار تشنه) در آیه 55 سوره واقعه و حام (شتر نری که ده شتر از او پدید آمده است) در آیه 103 سوره مائده آمده است.

بنابراین با توجه به آیاتی که در آن از واژه «شتر» صحبت شده است اسامی شتر بر اساس سن، جنسیت، آبستن به عناوین مختلف، شتر قربانی و بسیار تشنه نامگذاری شده است، بدین ترتیب:

الف) براساس سن: شتر به لحاظ مراحل سنی دارای اسامی مختلفی است که هر مرحله موضوع احکامی واقع شده است، مانند ابن مخاض، بنت مخاض، ابن لبون بنت لبون، حِقَه، جَذَع و جَذَعه، ثنی و ثنیه و بازل (ر.ک: نجفی، ج 6، 1418: 77-78). که با استناد به آیات قرآنی به ترتیب ذیل آورده می‌شود:

1. ایل: ایل به کسر الف به معنی مطلق شتر است اعم از نر و ماده و از هر جنس که باشد و لفظ آن مفرد است و دلالت بر جنس دارد (قرشی، ج 1، 1378: 19). «أفلا ينظرون الى الابل كيف خلقت» (غاشیة/17). «آیا آنان به شتر نمی‌نگرند که چگونه آفریده شده».
2. جمل: جمل به معنای شتر نر و طناب کشتی است. در صحاح اللغه آن را مطلق شتر گفته و نر بودنش را از فراء نقل کرده است (جوهری، ج 4، 1413: 1661 و قرشی، ج 2، 1378: 51)، و لایدخلون الجنة حتی یلج الجمل فی سم الخیاط و کذلک نجزی المجرمین» (اعراف/40). «و آنها هرگز به بهشت در نمی‌آیند تا شتر نر در سوراخ سوزن فرو رود. و این چنین ما گنهکاران را کیفر می‌دهیم».
3. ناقه: ناقه به معنای شتر ماده هفت بار در کلام الله مجید آمده و همه درباره حضرت صالح (ع) است (قرشی، ج 7، 1378: 130): «... هذه ناقه الله لكم آیه فذروها تاكل فی ارض الله...» (اعراف/73): «این ماده شتر خداست که برای شما نشانه‌ای (از توحید و قدرت و رحمت او) است...».
4. بعیر: بعیر به معنای مطلق شتر است اعم از نر و ماده، چنانکه جمل شتر نر و ناقه شتر ماده است (قرشی، ج 1، 1378: 205). «...و لمن جاء به حمل بعیر...» (یوسف/72). «گفتند: پیمان شاه را گم کرده‌ایم و برای هر کسی که آن را بیاورد بار یک شتر «جایزه یا حق الجمال» خواهد بود و (من جارزنده) خود آن را ضامنم».
5. هیم: هیم جمع اهیم و مؤنث آن هیماء است و آن شتر تشنه را گویند که از آب سیر نمی‌شود البته در اثر عروض مرض عطش (قرشی، ج 7، 1378: 174). «فشاربون شرب الهیم» (واقعه/55). «پس همانند شتران عطش زده می‌نوشید».

6. عشار: عشار مراد از عشار مطلق حامله است اما بعضی آن را به معنای شتر حامله دانسته‌اند (قرشی، ج 5، 1378: 2: «و اذا العشار عطلت» (تکویر/4). «و آن گاه که شتران آبستن ده ماهه (با ارزش‌ترین مال آن عصر) رها و بی صاحب مانند».

7. حموله: به ماده شتری گفته می‌شود که پنجمین حمل مادر خود است. «مِنَ الْأَنْعَامِ حَمُولَةً وَ قَرَشًا» (انعام/142). «و از حیوانات باربر بزرگسال و خردسال بیافرید».

8. بُدْن: به شتر قربانی گفته می‌شود همانطور که خداوند می‌فرماید: «وَ الْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ» (حج/36). «و شترهای تنومند را برای شما (در مراسم حج) از شعائر خدا قرار داده‌ایم».

9. ضامر: شتر که لاغر باشد، ضامر می‌نامند: «وَ أُذُنٌ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَ عَلَى كُلِّ ضَامِرٍ» (حج/27). «و مردم را دعوت عمومی به حج کن، تا پیاده و سواره بر مرکب‌های لاغر».

10. سائبه: شتری که ده ماده به دنیا آورده است. «مَا جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَحِيرَةٍ وَ لَا سَائِبَةٍ وَ لَا وَصِيلَةٍ وَ لَا حَامٍ» (مائده/103). «خداوند برای بحیره و سائبه و وصیله و حام، حکمی مقرر نفرموده».

11. حام: شتری نری که ده شتر از او پدید آمده است. «مَا جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَحِيرَةٍ وَ لَا سَائِبَةٍ وَ لَا وَصِيلَةٍ وَ لَا حَامٍ» (مائده/103). «خداوند برای بحیره و سائبه و وصیله و حام، حکمی مقرر نفرموده».

12. بحیره: ماده شتری که پنجمین حمل مادر خود باشد، بحیره گفته می‌شود: «مَا جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَحِيرَةٍ وَ لَا سَائِبَةٍ وَ لَا وَصِيلَةٍ وَ لَا حَامٍ» (مائده/103). «خداوند برای بحیره و سائبه و وصیله و حام، حکمی مقرر نفرموده».

13. نعم: در حالیکه، کسانی مانند راغب اصفهانی در کتاب «مفردات» خود و همچنین مفسرینی مانند صاحب «مجمع البیان» گفته‌اند معنای اصلی انعام، شتر است و زمانی به گاو و گوسفند اطلاق می‌شود که شتر جزء آنها باشد. هر چه باشد در تمامی آیات مربوط به انعام، از انعام به آیت، عبرت و نعمت یاد شده و قطع به یقین شتر نیز جزو آن است (راغب اصفهانی، 1412: ذیل واژه). بدین ترتیب، همان طور که روشن است، اصلی‌ترین مصداق در نظر گرفته شده برای «نعم» شتر است. نعم به شتری می‌گویند که آرام و بدون سر و صدا حرکت می‌کند. در آیه 95 سوره مائده واژه نعم آمده است.

البته قابل ذکر است، از میان آیات پرشماری که به شتر اشاره دارد، تمرکز اصلی بر روی واژه «ابل» در آیه 17 سوره غاشیه است که بشر را به مطالعه عمیق پیرامون خلقت شتر دعوت می‌نماید، از این رو، پیش از پرداختن به ویژگی‌ها و شگفتی‌های این حیوان، نکاتی پیرامون این آیه مطرح می‌شود.

3-3-3- کاربرد واژه شتر در قرآن و علل نامگذاری آن

از جمله محدود جانورانی که قرآن کریم، بشر را به تفکر در خلقتش فرا می‌خواند شتر است. جالب آن که تعمق در آفرینش آن را در کنار آفرینش آسمان و زمین و کوه‌ها موجب تذکر و توجه به مبدأ و معاد برمی‌شمارد و بلکه بر همه آنها مقدم می‌دارد. چنان‌چه در آیات مبارکه سوره غاشیه فرموده است:

«أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ * وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ * وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ * وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ * فَذَكَرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكَّرٌ * لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ *» «آیا آنان به شتر نمی‌نگرند که

چگونه آفریده شده است؟! * و به آسمان (نگاه نمی‌کنند) که چگونه بر افراشته شده است؟! * و به کوه‌ها (نمی‌نگرند) که چگونه نصب و پا برجای شده‌اند؟! * و به زمین (نمی‌نگرند) که چگونه پهن و گسترانیده شده است؟! * تو پند بده و یادآوری کن چرا که تو تنها پند دهنده و یادآوری کننده‌ای و بس * تو بر آنان چیره و مسلط نیستی *» (سوره مبارکه غاشیه/ آیات 21-17).

فعل «يَنْظُرُونَ» از ماده «نظر» به معنای نگاه با دقت و تأمل و عنایت است و در منابع لغوی به «رؤیه فی تعمق و تحقیق» و «التأمل و الفحص» معنا شده است. لذا قرآن کریم از افعالی مانند بیرون، یشاهدون و... استفاده نکرده و با آوردن این ماده، بشر را به مطالعه و تحقیق در این زمینه فرا می‌خواند، مانند دستور به تحقیق و تأمل در غذایی که انسان می‌خورد (4)، چنانچه فرموده است: «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَىٰ طَعَامِهِ» (عبس / 24).

شتر در میان اعراب بسیار محبوب و دارای نقش محوری در زندگی اجتماعی و اقتصادی آنها دارد و شاید به همین دلیل باشد که دیه قتل انسان بر محور شتر محاسبه شده است. و یا شاید به دلیل شتران زرد رنگ است که قرآن شراره‌های آتش دوزخ را به آنان تشبیه کرده است: «إِنهَا تَرْمِي بِشَرِّ كَالْقَصْرِ * كَأَنَّهُ جِمَالَتٌ صُفْرٌ. «آن آتش هر شراری بیفکند شعله‌اش مانند قصری است. گویی آن شراره (در بزرگی و رنگ) به شتران زرد موی مانند است» (مرسلات/ 32-33). از این رو، شتر ویژگی‌هایی دارد که هیچ یک از حیوانات دیگر ندارند و از این جهت در میان همه آنها ممتاز است و این ویژگی‌ها بدین قرار است:

الف) تحمل تشنگی: شتر در میان حیوانات به قدرت بالای تحمل تشنگی معروف است. اگر یک درصد از آب بدن انسان از دست برود، احساس تشنگی می‌کند. حال اگر کاستی به 5 درصد برسد انسان تعادل خود را از دست می‌دهد و هنگامی که به 10 درصد برسد دیگر گوش‌های او چیزی نمی‌شنوند و چنان ضعف و رخوت بر او غلبه می‌کند که حتی اگر به آب دسترسی پیدا کند، قدرت نوشیدن آب را ندارد. در حالی که شتر اگر 20 درصد از آب بدن خود را از دست دهد، همچنان می‌تواند سرپا بایستد و هنگامی که به آب می‌رسد، به راحتی آب مینوشد. (احمد، 1424: 479).

همچنین شتر با ثابت نگه داشتن سطح مایع در خون خود از هیدراسیون جلوگیری می‌کند؛ توضیح آن که مایع خون - پلاسما - حاوی یک دوازدهم آب بدن است که در شرایط تشنگی کم می‌شود. در حالیکه شتر پس از تحمل یک دوره تشنگی و از دست دادن یک چهارم وزن بدن خود، تنها یک دهم حجم خون خود را از دست می‌دهد (حکیمی، ج2، 1374: 148). سیر دیگر تحمل تشنگی شتر، تعریق اندک آن است. شتر کمتر عرق می‌کند، خصوصاً در شرایط گرما و عطش، ساختمان بدن او به گونه‌ای است که از آب موجود در بدن نهایت نگهداری را می‌کند (احمد، 1424: 480). یکی دیگر از عوامل هدررفت آب بدن تنفس سریع و با دهان باز است. اما شتر نه تنها دهان خود را باز نمی‌کند، بلکه سرعت تنفس او حداکثر هشت مرتبه دم و بازدم در دقیقه است که تأثیر مهمی در حفظ آب بدن دارد (حکیمی، ج1، 1374: 178). از اختصاصات دیگر شترها وجود کوهان در آنها است. بر خلاف باور همگانی، کوهان‌ها محل ذخیره آب در بدن شتر نیستند. کوهان‌ها ذخیره‌گاه نوعی بافت چربی است و آب معمولاً در خون شتر ذخیره

می‌شود. با این حال، بافت چرب کوهان‌ها زمانی که وارد عمل سوخت و ساز می‌شوند، نه تنها انرژی زیادی تولید می‌کنند بلکه پس از واکنش با اکسیژن هوا تولید آب هم می‌کنند (ابرعانی، 1381: 119).

ب) رام بودن و فرمانبرداری شتر: فرمانبرداری شتر به اندازه‌ای شهرت یافته است که در روایتی از پیامبر اسلام (ص) نقل شده است که فرموده‌اند: «كُن لِرَبِّكَ كَالْجَمَلِ الْأَنْفِ». «در برابر پروردگار خود مانند شتر رام و مطیع باش» (سیوطی، ج 2، 1423: 192).

ج) قدرت باربری شتر: شتر برای بارگیری روی زمین می‌خوابد و پس از آن که باری سنگین بر پشت او قرار گرفت، به طور شگفت‌انگیزی از زمین بلند می‌شود که سایر حیوانات از انجام چنین عملی عاجز هستند (ابرعانی، 1381: 121). شتر برای این کار از گردن بزرگ خود بهره می‌برد و به عنوان اهرم از آن استفاده می‌کند و با برقراری تعادل دو طرفه - بین بار و گردن خود - بهره گرفتن از دو دست، از زمین بلند می‌شود. همانطور که خداوند در سوره نحل آیه 7 می‌فرماید: «وَتَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَىٰ بَلَدٍ لَّمْ تَكُونُوا بِالْغِيَةِ إِلَّا بِشِقِّ الْأَنْفُسِ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ». «و بارهای شما را (به آسانی) از شهری به شهر دیگر برند که خود شما (بدون بار) جز با مشقت بسیار بدان جا نتوانید رسید (چه رسد با بار)، راستی که پروردگار شما رؤوف و مهربان است». در تفسیر این آیه آمده است: اثقالکم که گفتند شتر شصت من بار می‌برد که سایر حیوانات مثل اسب و قاطر و حمار نمی‌توانند که سیصد و شصت کیلو است و قبل از گاری و ماشین و طیاره منحصر بود «مال التجاره بحمل» بر شتر بلی در دریا یا کشتی می‌بردند الی بلد بقرینه الی در تقدیر من بلد هست یعنی من بلد الی بلد لم تکونوا بالغیه انسان هر چه قدرت داشته باشد مثل حامل ده من بار نمی‌تواند یک فرسخ ببرد و مثل حمار و استر و یابو به زحمت زیادی می‌برند که هر چند فرسخی باید استراحت کنند یا تبدیل شوند چنانچه در اسب‌های گاری بر سه فرسخی مال بند داشتند که مفاد إِلَّا بِشِقِّ الْأَنْفُسِ است که بسیار مشقت داشت (طیب، ج 13، 1378: 86).

د) غیرت مثال زدن شتر: گذشته از ویژگی‌های جسمی شتر، ویژگی‌های روحی این حیوان نیز جالب توجه است. شتر بسیار غیور است و اجازه نمی‌دهد کسی او را در حال مجامعت با جفت خود ببیند و اگر متوجه شود کسی در حال مشاهده او است، عکس‌العمل نشان می‌دهد. حتی برخی گفته‌اند کینه او را به دل می‌گیرد و به دنبال فرصتی برای ضربه زدن به او منتظر می‌ماند (بیضون، ج 4، 1432: 377).

ه) محبت شتر: شتر ماده، محبت مثال‌زدنی به فرزند خود دارد و اگر به هر دلیل بچه شیرخوار خود را از دست بدهد، مدت‌ها (گاهی تا چهل روز) در آن حوالی که او را شیر داده و بویش را حس می‌کند، می‌گردد و او را می‌جوید و با صدای بلند و جان‌سوزی ناله کرده، اشک می‌ریزد (بیضون، ج 4، 1432: 378). شتر قادر است از 25 درجه زیر صفر تا 70 درجه بالای صفر را تحمل کند. دوران حمل شتر حدود 13 ماه طول می‌کشد و هر بچه شتر تا 5 ماه شیر می‌خورد (ابرعانی، 1381: 32). سعدی شیرین سخن در گلستان می‌فرماید: حلم شتر چنانکه معلوم است اگر طفلی مهارش گیرد و صد فرسنگ برده، گردن از متابعتش نیچند، اما اگر دره‌ای هولناک پیش آید که موجب هلاک باشد و طفل آنجا به نادانی خواهد شدن، زمام از کفش در گسلاند و بیش مطاوعت نکند، که هنگام درشتی، ملاطفت مذوم است.

3-4- کاربرد واژه خوک در قرآن

معادل عربی خوک «خنزیر» است و 4 بار در قرآن به کار رفته است که عبارت است از:
 (الف) سوره بقره آیه 173: «إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالْدَّمَ وَالْحَمَّ الْخَنِزِيرِ وَمَا أَهْلَ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ». «به تحقیق، خدا حرام گردانید بر شما مردار و خون و گوشت خوک را و آنچه را که به اسم غیر خدا کشته باشند، پس هر کس که به خوردن آنها محتاج و مضطر شود در صورتی که به آن تمایل نداشته و (از اندازه رمق) تجاوز نکند گناهی بر او نخواهد بود (که به قدر احتیاج صرف کند که) محققاً خدا آمرزنده و مهربان است».

(ب) سوره مائده آیه 3: «حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالْدَّمُ وَالْحَمُّ الْخَنِزِيرِ وَمَا أَهْلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصُبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَلِكُمْ فِسْقٌ...». «برای شما مؤمنان گوشت مردار و خون و گوشت خوک و آن ذبیح‌های که به نام غیر خدا کشتند و همچنین هر حیوانی که به خفه کردن یا به چوب زدن یا از بلندی افکندن یا به شاخ زدن به هم بمیرند و نیم‌خورده درندگان جز آن را که قبلاً تذکیه کرده باشید حرام است...».

(ج) سوره مائده آیه 60: «قُلْ هَلْ أُنَبِّئُكُمْ بِشَرِّ مِنْ ذَلِكَ مَثُوبَةٌ عِنْدَ اللَّهِ مَنْ لَعَنَهُ اللَّهُ وَغَضِبَ عَلَيْهِ وَجَعَلَ مِنْهُمْ الْقِرَدَةَ وَالْخَنَازِيرَ وَعَبَدَ الطَّاغُوتِ أُولَئِكَ شَرٌّ مَكَانًا وَأَضَلُّ عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ». «بگو (ای پیغمبر): آیا شما را آگاه سازم که کدام قوم را نزد خدا بدترین پاداش است؟ کسانی که خدا بر آنها لعن و غضب کرده و برخی از آنان را به بوزینه و خوک مسخ نموده و آن کس که بندگی طاغوت (شیطان) کرده. این گروه را (نزد خدا) بدترین منزلت است و آنها گمراه‌ترین مردم از راه راستند».

(د) سوره انعام آیه 145: «قُلْ لَا أَجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خَنِزِيرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ أَوْ فِسْقًا أَهْلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ رَبَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ». «بگو: در احکامی که به من وحی شده من چیزی را که برای خوردندگان طعام حرام باشد نمی‌یابم جز آنکه میت باشد یا خون ریخته (جهنده) یا گوشت خوک که پلید است و یا حیوانی که بدون ذکر نام خدا از روی فسق و نافرمانی ذبح کنند. و (در همین‌ها که حرام شده) هرگاه کسی به خوردن آنها مضطر گردید صرف کند، در صورتی که از روی ستم و از راه تعدی (از فرمان خدا) نباشد، همانا خدای تو بسیار بخشنده و مهربان است».

4- جمع‌بندی مطالب

با توجه به آنچه گفته شد، هر مخلوقی از مخلوقات خداوند در هر بخش و جنبه‌ای از بیولوژی خویش حامل اسرار، پیام و خبری برای بشر است و دقت انسان‌ها را در کیفیت خلقت آنها می‌طلبد. یکی از مسائل مورد توجه در مورد شترها این است که برخی اشاره نموده‌اند توصیه به تفکر در خلقت شتر، نشان دهنده تأثیرپذیری قرآن از فرهنگ زمانه است، زیرا عرب‌های معاصر نزول قرآن در سرزمین حجاز با شتر انس بیشتری داشتند، اما این سخن کاملاً غیرقابل قبول و مذموم است. چرا که قرآن کتابی است جهانی و برای تمام نسل‌ها و اعصار و بدون شک قرآن برای تمام بشریت در هر نسل، فرهنگ، نژاد و قومی

نازل شده و متأثر از هیچ فرهنگی نیست. همچنین شگفتی خلقت شتر منحصر به زمان نزول قرآن نبوده و تاکنون نیز حقایقی از خلقت این جانور عجیب برای بشر روز به روز کشف شده و خواهد شد. و نیز بدون شک نظر قرآن چنین نیست که بشر فقط به کیفیت خلقت شتر دقت نماید و از سایرین بازماند. مثال قرآن نمونه‌ای است از هزاران و بشر باید از یک اشاره به اصل موضوع پی‌برد. امروزه با پیشرفت علم جانورشناسی در جهان چنان ظرافت‌ها و حقایقی از جانوران برای بشر هویدا شده که باعث شگفتی مردمان کره خاکی شده و این همان اعجاز پیام الهی است که می‌فرماید: «آیا آنها نمی‌نگرند...».

منابع

- ابرعغانی، اکبر (1381). گزارش نهایی طرح تحقیقاتی بررسی وضعیت پرورش شتر دوکوهانه دشت مغان، مرکز تحقیقات منابع طبیعی و امور دام استان اردبیل، سازمان تحقیقات و آموزش، وزارت جهاد کشاورزی.
- این منظور، محمد بن مکرّم (1414)، لسان العرب، بیروت: دارالصادر.
- احمد، یوسف (1424). موسوعه الاعجاز العلمی فی القرآن الکریم، دمشق: نشر ابن حجر.
- افخمی عقدا، رضا (1390). «نگاهی نمادین به حضور شتر در شعر دوره جاهلی»، ادب عربی، سال سوم، شماره 3، صفحات: 247-280.
- آیت، هدا (1395). «تأملی در خلقت شتر از دید قرآن و علم»، پژوهش‌های علم و دین، (1)7: 25-47.
- بیضون، لیبب (1432). الموسوعه العلمیه القرآنیه، بیروت: اعلمی.
- جاودانی، موسی و همکاران (1397). «شتر در دین مبین اسلام، آیات قرآن و روایات معصومین (ع)»، سومین کنفرانس بین‌المللی مطالعات اجتماعی فرهنگی و پژوهشی دینی.
- جر، خلیل (1391). فرهنگ لاروس (عربی به فارسی)، ترجمه سیدحمید طبیبیان، تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (1413). الصحاح اللغه، بیروت: دارالعلم للملایین.
- حکیمی، محمود (1374). شگفتی‌های جهان خلقت، تهران: مؤسسه انجام کتاب.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (1412). مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دارالشامیه.
- سبحانی، جعفر (1383). منشور جاوید: نخستین تفسیر موضوعی به زبان فارسی، قم: مؤسسه امام صادق (ع).
- سلیمانی مهدی و احسان انصاریان (1389)، «بررسی حرام بودن گوشت خوک در قرآن و احادیث»، شانزدهمین کنگره دامپزشکی ایران.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (1404)، الدرالمثور فی التفسیر بالمأثور، قم: کتابخانه عمومی آیه الله مرعشی نجفی.

طیب، سید عبدالحسین (1378). *اطیب البیان*، تهران: انتشارات اسلام.
طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، *التبیین فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
علایی، حسنعلی (1396). «حکمت تحریم گوشت خوک در قرآن، حدیث و علم»، *قرآن و علم*، 7(13): 49-70.

عمید، حسن (1368). *لغت‌نامه عمید*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
عبدالرحیم، محمد (1427). *موسوعه الحیوانات و الطیور و الاسماک و الهوام فی القرآن الکریم*. بیروت: دارالراتب.

قرشی، علی اکبر (1378). *قاموس قرآن*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
معروف، یحیی (1384). «شتر در قرآن و ادب عرب (عصر جاهلی)»، *مجله علوم انسانی*، 12(4): 99-116.

نجفی، محمدحسن (1418). *جواهرالکلام*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
نقدی، محمدرضا (1388). *حیوان‌شناسی از منظر قرآن*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.

هدایتی، مهدی (1389). *حیوانات در نگاه دین: سیری بر آیات، روایات و احکام فقهی و حقوقی حیوانات در دین مبین اسلام*، تهران: برقی.

Nanji, A.A. and SW. French (1985). Relationship between Pork Consumption and Cirrhosis. *Lancet*; 1: 681-3.

رسد ک د ا ل

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی